

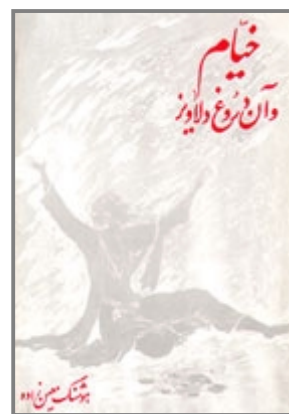
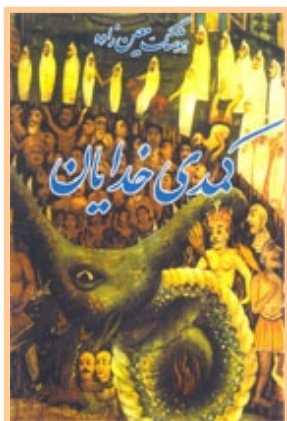
ما و این دروغ دلاویز!

کمدی خدایان (سه جلد)

هوشنگ معین زاده

انتشارات آذرخش؛ فرانسه ۱۳۷۹ - ۱۳۷۶

کارل گوستاو یونگ
روانشناس سویسی اثر
جذاب خود «پاسخ به
ایوب» را با «درخواست
از خواننده مهربان»
آغاز می کند. او با
توضیح اینکه «ایمان
مذهبی» و «حقیقت
مادی» از دو جنس کاملاً
متفاوت هستند، یادآور
می شود: «اقوال و
اعتقادات مذهبی بی



استثناء به موضوعاتی مربوط می شوند که اثبات آنها به معنی مادی ممکن نیست و اگر چنین نبود اصولاً این پندارها در ردیف علوم طبیعی قرار می گرفتند. گفتمان های مذهبی هنگامی که از جنبه مادی مطرح شوند یک باره بی معنی به نظر می رسند و علم آنها را به عنوان اینکه به تجربه در نمی آیند محکوم می کند... بنا بر این من ضمن آنچه از پی می آید هر وقت به این مقولات «فوق طبیعی» می پردازم کاملاً آگاه هستم که در جهانی مرکب از تصاویر سیر می کنم و هیچ یک از اندیشه های من ذات شناخت ناپذیر را درک نمی کند. هم چنین به خوبی واقف هستم که امکانات ما در زمینه فهم و تجسم چقدر محدود می باشند (تازه از کوتاهی و نارسایی زبان هم چیزی نمی گویم) و بنا بر این می دانم که معنی آنچه می گویم اصولاً بیش از معنی اعتقادات انسان بدوی نیست که خدای خود را به صورت یک خرگوش یا مار مجسم می کند ولی هر چند عالم تجسمات مذهبی ما تماماً از تصاویری مبتنی بر شباهت به شکل انسان تشکیل یافته است که هرگز در برابر انتقاد عقلی تاب مقاومت نخواهند داشت اما این را نباید هیچگاه فراموش کنیم که این تجسمات متکی بر صور مثالی نورانی و قدسی می باشند یعنی پی و اساس آنها حالات عاطفی است که عقل انتقاد کننده با هر کوششی که به خرج دهد هرگز به آن دست نمی تواند یافت». بدین ترتیب، یونگ برای ماجرای شرط بندی خداوند و شیطان بر سر ایوب، این بنده مؤمن، از دنیای فیزیکی به متافیزیکی نقل مکان می کند تا با معیارهایی مناسب به کند و کاو روانشناسانه در افسانه ای بپردازد که با معیار عقل پاسخی برای آن نمی توان یافت.

ظهور جمهوری اسلامی سبب رواج نوشتارهای ضد مذهبی، به ویژه در خارج کشور، به شکل شعر، داستان و کتاب های تحلیلی نیز گشته است. بخشی از مبارزه علیه خرافه های مذهبی که اوج آن را در روشنگران دوران قاجار می بینیم، به مبارزه علیه باورهای متافیزیکی و اسطوره ای تبدیل گشته است. اگر مذهب امری خصوصی به شمار می رود، پس آن باورها نیز امری خصوصی هستند که هیچ فردی را حق تعرض به آنها نیست. این حقیقت اما در مورد خرافه های مذهبی صدق نمی کند. خرافه های مذهبی را نمی توان امری خصوصی دانست آن هم در شرایطی که خرافه پرستان زمام امور یک کشور را در دست داشته باشند.

حاج رجب در بهشت

در اولین مجموعه به نام «خیام و آن دروغ دلاویز» فردی به نام حاج رجب که مرده است راهی آن دنیا می شود و در این رهگذر با حقایقی آشنا می گردد که به مثابه باور مذهبی «پذیرفتنی» بودند، لیکن هنگامی که در برابر منطق مادی قرار می گیرند، پای باورشان سست می شود. مثلاً حاج رجب با غیرت این جهانی نمی تواند ببذیرد که همسرش، سکینه سلطان، که پیش از او مرده است، آنگونه که معین زاده نقل می کند: «خوش و خندان در کنار غلمانی دراز کشیده» باشد و «پستان های چروکیده و آویزان و شکم شل و ول او» در معرض دید همگان باشد!

عزت الملوک، خواهر حاج رجب، که در بهشت تساوی طلب و عدالت خواه شده می گوید: «حیف که خدا زن نیست! حیف که خدا آبتن نمی شود! حیف که خدا نمی زاید! وگرنه می دیدیم که چطور آیه پشت آیه می فرستاد که: «ای

مردم، دختران معصوم و بیگناه خود را در سن و سال کودکی شوهر ندهید! به آنها این چنین آزار نرسانید! درباره آنها، رحم و مروت و انصاف و عاطفه داشته باشید!»

حاج رجب در ملاقات با شخصیت هایی مانند خیام، ابوعلی سینا، موسی و عیسی بیش از پیش به تناقضات باورهای مذهبی پی می برد. او در بهشت است که مرگ و رستاخیز را به دیده تردید می نگرد. بهشت نیز می تواند به جهنم تبدیل شود! زنی که با کودکش به زیر آوار رفته و مرده است گریه می کند: «چون به این دنیا آمدم، خدا به حساب خودش به ما رحم کرد و ما را به بهشت فرستاد. از آن زمان تا به امروز، من این بچه را شیر می دهم. بچه معصوم نه بزرگ می شود و نه از شیر خوردن می افتد!»

دیدار با خدا

جلد دوم «آنسوی سراب» نام دارد. در این کتاب نویسنده با خدا دیدار می کند و بار دیگر تفکر مادی و معنوی در برابر هم قرار می گیرند و در نتیجه تناقضات ظاهر شوند. نظر منفی حاج رجب نسبت به پیامبران در «آنسوی سراب» تعدیل می شود و نویسنده پیامبران را از زبان خدا دانشمندان و فیلسوفانی می داند که نظرانشان می تواند برای امروز دیگر درست نباشد: «پیام خردمندان جامعه دنباله پیام پیغمبران است... آینشتین مگر پیغمبر نبود؟» نویسنده از این هم فراتر رفته و «عنصر عقل» را مستقیماً وارد اسطوره ها و افسانه های مذهبی می سازد، حال آنکه با عقل به جنگ اسطوره ها رفتن کار عاقلانه ای نیست!

در «آنسوی سراب» تلاش می شود تا آلودگی های خرافی از چهره خداوند و پیامبرانشان زدوده شود. نویسنده فردی است خداشناس و خدایی که او می شناسد، خدایی که شوخ است و گاه مانند «کلاه مخملی ها» حرف می زند، خودش را چنین معرفی می کند: «مقام و منزلت خدایی ما، ربطی به برداشت های ساده لوحانه شماها ندارد. ما خدا هستیم. به این دلیل که «خودمان» بدون کمک و یاری کسی، خود را آفریده ایم و بعد شما را مثل سایر موجودات از نیستی به هستی آورده و همه امکانات و احتیاجاتتان را فراهم کرده ایم. دیگر چه کار باید می کردیم تا به نظر شما «خدا» باشیم و مقام و منزلت خدایی ما حفظ شود؟»

عقل و ادیان

«کمدی خدایان» عنوان جلد سوم کتاب های معین زاده است که در عین حال آن را برای تمامی این سه جلد نیز برگزیده است. انتخاب نامی که بدون تردید «کمدی الهی» اثر برجسته تاریخی، فلسفی و ادبی اندیشمند ایتالیایی قرون وسطا، آلیگیری دانته را تداعی می کند، از همان ابتدا نه تنها توقع خواننده را به شدت بالا می برد، بلکه اصولاً چنین انتخابی برای یک اثر، به دلیل همان تداعی، اصلاً عاقلانه نیست. بالزاک هم بر مجموعه رمان ها خود که به مسائل اجتماعی می پردازند نام «کمدی انسان ها» نهاد، لیکن این عنوان از آنجا که سیاهی ها و تلخکامی ها و فساد طبقات مختلف جامعه فرانسه را در اوایل قرن نوزدهم بر بستری عاطفی به نمایش می گذارد، نه تنها با مضمون این مجموعه همخوانی دارد، بلکه «کمدی الهی» دانته را نیز به یاد نمی آورد.

در «کمدی خدایان» معین زاده ادیان سامی در برابر ادیان «آریایی» داده می شوند. موسی، عیسی و محمد در مقام دادستان قرار می گیرند و زرتشت و مانی و مزدک وظیفه دفاع از انسان را بر عهده دارند. کنفوسیوس، بودا، آخناتون و حمورابی و کورش در جایگاه هیئت منصفه می نشینند. آسمانی ها و زمینی ها در برابر هم قرار می گیرند. شیطان و دیگر شخصیت های آفرینش و مرگ حضور می یابند و همگی با قوه تعقل به بحث در باره موضوعاتی می پردازند که مطلقاً عقلانی نیستند. فرشتگان نیز اظهار نظر می کنند: «بهشتی که شهرت در حد یک عشرتکده و دوزخی که واقعیت آن شبیه یک شکنجه گاه عهد بربریت است در شأن باریتعالی نیست!»

در جستجوی این که «تخم لوق بهشت» را کدام پیامبر و به چه منظوری شکسته است، ابتدا به زرتشت و سپس به محمد می رسند: «اما در بهشت زرتشت، لذات فیزیکی و مادی وجود ندارد. نه بهشت زرتشت، مکانی سبز و خرم و پر از حور و غلمان و شراب و کباب و قصور با شکوه و جواهرات گرانبهاست و نه دوزخ او تاریک و وحشت زا و پر از عقرب و مار و آتش و تازیانه.»

پس «مجرم» کیست؟ فرشته پیر که مسئول بایگانی درگاه الهی است ادامه می دهد: «در واقع محمد بود که هر چیزی را که برای اعراب خوش می آمد، مانند سبز و خرم بودن بهشت و پر بودن این مکان از حور و غلمان و آب و شیر و عسل و شراب و انار و انگور و غیر آن در توبره دین اسلام ریخت و به اسم پادشاه مسلمانی به اعراب وعده داد و آنچه که اعراب را به ترس و وحشت می انداخت، از قبیل مار و عقرب و آتش و چرک و میوه های تلخ و غیر آن را جمع کرد و در خورجین دوزخ ریخت و به مخالفینش وعید داد.»

معین زاده در این مجموعه سه جلدی تلاش می کند دروغ دلآویزی را جایگزین «دروغ دلآویز» دیگری سازد که به دلیل ریشه هایش در متا فیزیک و بخشا جهان اسطوره ای نمی توان دروغش نامید، چرا که دروغ، حقیقتی است که به جهان مادی تعلق دارد! خرافه زدایی اما از مقوله دیگریست که اگر نتوان مرز بین آن و باورهای مذهبی را به درستی تشخیص داد، آنگاه تناقضی پدید خواهد آمد که نه عقل پاسخگوی آن تواند بود و نه باورهای مذهبی!

تلاش برای خرافه زدایی از مذاهب هرگز از طریق مبارزه با باورهای مذهبی، که پدیده، یا بهتر بگوییم، واکنشی روانی و روحانی است به جایی نمی رسد. آثاری مانند «کمدی الهی» دانته در مقوله تاریخ، فلسفه و ادبیات جای می

گیرند. حال آنکه معین زاده دلمشغولی های خود را با هدفی معین به شکل داستان هایی ارائه می کند که می تواند در شمار ادبیات عوام قرار گیرد، لیکن نمی تواند نقش روشنگرانه ای در زدودن خرافه های مذهبی داشته باشد، به ویژه آنکه این خرافه های خود به باور مذهبی تبدیل شده باشند!

خرافه ها را به کناری نهیم. عقل و ایمان اما دو حریف قدر هستند. آیا عقل را توان از میدان به در کردن باورهای مذهبی و یا اسطوره ها هست؟ آیا مجموعه ای که تماما از ایمان و باور حاصل شده است، می تواند عاقلانه و با قوه تعقل به نقد و نفی خود بنشیند؟! این پرسش به این دلیل مهم است که چنین کتاب هایی برای کسانی که دارای باور مذهبی نیستند، نوشته نمی شود چرا که آنها را نیازی به چنین کتاب هایی نیست، بلکه مخاطبان آن کسانی هستند که دارای این باورها و نیز آغشته به خرافات مذهبی هستند.

معین زاده داستان جدیدی به نام «آیا خدا مرده است» در دست انتشار دارد که آن هم از گفتار معروف فریدریش نیچه، متفکر بی همتای آلمانی، در باره «مرده بودن خدا» اقتباس شده است. لیکن تفاوت داستان های معین زاده با تفکر اصیل دانته و نیچه چنان است که باید گفت میان ماه معین زاده تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است.

سپتامبر ۲۰۰۱